

# واکاوی خصوصیات و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی

محمد رضا فریدی

دانشجوی دوره دکترای مدیریت آموزشی، کارشناس ارشد دانشگاه شاهد

Email: mohammad.reza.faridi@gmail.com

## چکیده

سرگذشت انسان‌ها از معبر تمدن‌ها می‌گذرد و تمدن‌ها در طول تاریخ در شکل‌دهی به هویت بشر، گسترده‌ترین نقش را داشته‌اند. امروزه تمدن، به سند تاریخی فرهنگ ملل تبدیل گشته و از اهمیتی ویژه برخوردار است. دین اسلام پس از استقرار، به سرعت توانست بنیان‌گذار تمدن شگرفی در جهان شود به گونه‌ای که تمدن‌های دیگر، از جمله تمدن غربی را وام‌دار خود نماید. بر این اساس، تمدن اسلامی و خصوصیات و ویژگی‌های آن اگر به صورت جدی مرکز توجه و فعالیت قرار گیرند و از غفلت نسبت به آنها خودداری شود، ضمن ایجاد تحولی عمیق در جامعه انسانی، مجموعه‌ای از اندوخته‌های مادی و معنوی جهت نیل انسان به کمال مطلوب به بشریت عرضه خواهد نمود. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف واکاوی خصوصیات و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی انجام شد. برای نیل به این مقصود، پژوهشگر خلاصه‌ای از مهمترین مفاهیم مرتبط با تمدن نوین اسلامی را که برگرفته از اسناد و مقالات بودند، را ارائه داده است؛ تعریف تمدن نوین اسلامی، عوامل تمدن‌ساز در جوامع اسلامی، تفاوت تمدن غربی با تمدن اسلامی، اصول تمدن‌سازی اسلامی، فرهنگ ایرانی - اسلامی و نسبت آن با تمدن اسلامی، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی، استلزامات تمدن‌سازی اسلامی و اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی، مباحث اصلی ارائه شده در این پژوهش می‌باشند. در نهایت نیز، بر اساس مطالب گفته شده در هر یک از مباحث اصلی، به طور مختصر و موجز، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه گردید.

واژگان کلیدی: تمدن، تمدن نوین اسلامی، ویژگی‌ها و خصوصیات تمدن نوین اسلامی.



## Analyses of Characteristics and Properties of New Islamic Civilization

### ABSTRACT

Human history passes through civilization and civilization had greaest role in forming Man identity in the history. Today, civilization had become a historical document for the culture of human being and has a significant importance. After the establishment of Islam, it could soon founded a great civilization in the world in such a way that other civilizations, particularly western one were indebted to it.so if serious attention paid to Islamic civilization and its characteristics and donot forget them, in addition to develop an extensive development in human society, it presents a set of material and spiritual reserves for Man to achieve the ideal point of humanity. In doing so, the present paper tries to analyze the characteristics and properties of a new Islamic civilization. Researcher offered a summary of the most important concepts related to the new Islamic civilization. The main issues presented in this study include The definition of a new Islamic civilization, the civilization factors in Islamic society, the difference between Western civilization and Islamic civilization, Principles of Islamic civilization, Islamic- Iranian culture and its relation with Islamic Civilization, Components and characteristics of Islamic civilization, the necessities of making Islamic Civilization, The idea of millenarianism and a new Islamic civilization, Finally, according to the information given in each of the main topics, conclusions were briefly and succinctly presented.

Keywords: new Islamic civilization, characteristics and components of new Islamic civilization

## مقدمه

از آنجایی که تمدن‌شناسی گامی مؤثر در جهت تمدن‌سازی و خروج از سلطه تمدن‌های دیگر است و در راستای تشخیص کارآمدی نظام‌های اندیشه‌ای، مؤثر واقع می‌شود [۱] بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که ارائه خصوصیات و ویژگی‌های تمدن اسلامی به طور اعم و تمدن نوین اسلامی به طور اخص، بتواند گامی مؤثر در راستای تمدن‌سازی و خروج از سیطره دیگر تمدن‌ها باشد [۲]. تمدن اسلامی و شاخص‌هایش اگر به صورت جدی مرکز توجه و فعالیت قرار گیرند، مجموعه‌ای از اندوخته‌های مادی و معنوی جهت نیل انسان به کمال مطلوب به بشریت عرضه خواهد نمود؛ همان‌طور که در بعضی از اعصار اندیشمندان و آگاهان دیگر جوامع به وضوح به تأثیرپذیری تمدن و فرهنگ جوامع‌شان از تمدن اسلامی اقرار داشته و اعتراف می‌کنند. ویل دورانت از جمله نویسندگانی است که به این برتری تمدن اسلامی و تأثیرش بر تمدن غربی تأکید می‌نماید؛ بر این اساس، آگاهی از ویژگی‌های تمدن اسلامی و پیاده کردن آن در جامعه، فرصت بسیار مغتنمی است که در سایه آن، افراد بشر به رشد و پویایی و کمال حقیقی دست یابند و در نهایت آینده‌ای سرشار از آرامش و پیشرفت‌های مادی و معنوی و . . . برای خود و نسل‌های آینده رقم زنند. در نتیجه، باید به صورت جدی‌تر و عمیق‌تر به نهادینه کردن و در مرحله بعد عملی کردن این شاخص‌ها که می‌توان گفت تاکنون مورد غفلت واقع شده است، پرداخت تا تمدن اسلامی به معنای واقعی در حیات انسانی رخ دهد [۲]. در همین راستا، شاخصه‌ی اصلی تمدن اسلامی، توسعه و تکامل همه جانبه‌ی انسانی است، نه رشد یک بعدی و تک ساختی. از این رو نه جامعه‌ی راهبان دیرنشین و صوفیان خانقاه‌نشین، اما فقیر و مفلوک مطلوب است، نه جامعه‌ی مرفه مترفین غرق در دنیا و غافل از خدا. جامعه‌ی مطلوب قرآنی جامعه‌ای است که در آن عقلانیت، دیانت، عدالت و پیشرفت در عالی‌ترین حد ممکن باشد. تمدن قرآنی به داشتن برج‌ها و آسمان خراش‌ها و اتومبیل‌های لوکس نیست. برجی که در اطرافش عده‌ای کارتون‌خواب باشند، کاخ نمرود است و ثروتی که سودش به نیازمندان نرسد گنج قارون است و تمدنی این چنین، تمدن شیطانی است. قرآن کریم از چنین تمدن‌هایی در گذشته یاد می‌کند که وقتی به قدرت دست یافتند به ستم و فساد و طغیان رو آوردند و سرانجام به عذاب و نابودی کشیده شدند. هر تمدنی که حاصلش ستم و فساد و طغیان باشد شیطانی است. امروزه شاهد چنین تمدنی در دنیا هستیم. قدرت تمدن شیطانی امروز بی‌سابقه است، چنان که ستم و فساد و طغیان‌ش هم بی‌سابقه است و بر اساس سنت الهی همان سرنوشت عاد و ثمود هم در انتظار این تمدن است و پروردگار در کمین آنهاست. تمدن قرآنی که بر مدار بندگی است، رسالتش تحقق عدل و احسان و تقوی و پیشگیری از ستم و فساد و طغیان و مبارزه با آن است. در جامعه‌ی مطلوب اسلامی، هیچ بعدی از ابعاد واقعی انسانی نادیده گرفته نمی‌شود و فدای بعد دیگر نمی‌شود؛ بلکه بستری فراهم می‌شود که حداکثر ظرفیت‌های انسانی شکوفا شود. از این رو در این جامعه، عقلانیت، معنویت، اخلاق، عدالت، حقوق انسانی، علم، تکنیک، هنر، رفاه و بالاخره همه‌ی ارزش‌ها و مطلوب‌های انسانی به صورت متوازن و هماهنگ در کانون توجه قرار می‌گیرد و تحقق پیدا می‌کند. همچنین جامعه‌ی مطلوب قرآنی جامعه‌ی چند قطبی و طبقاتی نیست که یک طبقه از حداکثر امکانات برخوردار باشند و طبقه‌ای از حداقل آن محروم باشد. ضمن این که تفاوت‌های ناشی از تفاوت استعدادها و ظرفیت‌ها و همت‌ها محفوظ است، اما حد معقولی از امکانات رشد در اختیار

همه‌ی آحاد جامعه باید باشد. مراد از جامعه‌ی مطلوب اسلامی نیز یک کشور یا ملت خاص نیست، بلکه همه‌ی بشریت است و حکومت ایدآل اسلامی حکومت جهانی است. بعد معنوی و الهی تمدن اسلامی آن را از تمدن مادی متمایز می‌کند. در نگاه مادی و سکولار به تمدن، ابعاد انسانی و معنوی و خداآگاهی و خداپرستی جایی ندارد، بلکه تمام توجه صرفاً به پیچیدگی و توسعه‌ی مادی اجتماعی و سازمانی متمرکز است و تنها مقیاس این پیشرفت و توسعه نیز مادی است [۳].

متفکران بشری از دیرباز، اهتمام ویژه‌ای به این مسئله داشته و به فراخور رویکرد و مجال فکری خویش، عناصری را برجسته دیده‌اند. عناصر لازم و ارکان هویت بخش یک جامعه پیشرفته و متمدن در فرهنگ مادی و سکولار و غیر الهی، بر حسب مبنای متافیزیکی آن، پیشرفت در علم و فناوری، سلطه بر طبیعت، اقتدار اجتماعی سیاسی و اقتصادی و مانند آن به منظور تأمین رفاه و آسایش همگان است. اما پیشرفت مقبول و تمدن مطلوب جامعه بر مبنای نگرش توحیدی در صورتی محقق است که افزون بر عناصر فوق، ارزش‌های اساسی دیگری در آن جامعه جریان داشته، زمینه سعادتمندی آحاد آن فراهم آید. قرآن کریم در این میان، با رویکردی همه جانبه به جایگاه انسان در نظام هستی و روابط عینی او با مبدأ و معاد و ارتباط تنگاتنگ میان زندگی مادی و معنوی و دنیوی و اخروی، طرحی نو افکنده و با ارائه ویژگی‌هایی مشخص، سیمای جامعه مطلوب توحیدی را ارائه کرده است. در نگاهی کلی به جامعه مطلوب قرآنی دو گروه عناصر اساسی با تعریف و جایگاهی ویژه ایفای نقش می‌نمایند. در این جامعه از سویی تمامی مظاهر مادی و اسباب سخت افزاری و نعمت‌های دنیوی (عوامل آسایش) با انگاره طیبات دارای مطلوبیت و ارزش است و نه مطرود؛ اما به عنوان اهداف میانی و ابزار حرکت انسان به سوی افق‌های برتر. در این نگاه اصالت از آن ارزش‌هایی است که مربوط به بعد حقیقی وجود انسان و بخش نرم افزاری حیات مطلوب و انسانی انسان می‌شود [۴]. از سوی دیگر، تمدن نوین اسلامی با مفاهیمی مانند: بیداری اسلامی، بیداری انسانی، انقلاب آزادی، بهار عربی و موج دموکراسی خواهی، رابطه نزدیکی دارد؛ یکی از نظریه‌هایی که به نوعی می‌توان مفاهیم فوق را با آن تحلیل نموده و مورد کاوش و بررسی قرار داد، نظریه خیزش تمدنی است؛ بر اساس نظریه ((خیزش تمدنی)) بیداری اسلامی نهضتی است احیاگر و هویت‌بخش که به صورت مستمر از یک و نیم قرن پیش در جهان اسلام به راه افتاده است و مراحل متعددی را طی کرده است. منشأ این بیداری اراده خداوند، تعالیم دین اسلام و مجاهدت علما و مصلحان اسلامی است و عمق آن تا بعد تمدنی اسلام پیش رفته است. این حرکت مستمر، از فریاد و مبارزه در مقابل استبداد و استعمار گرفته تا دوران تجربه و عملکرد و تا خیزش تمدنی اخیر، دورانی از بیداری، استقلال خواهی و هویت جویی را شکل داده است. انقلاب اسلامی در میانه این دوران و با بیش از سی سال تجربه و عملکرد موفق خود، توانست این حرکت را از سطح مبارزه و قیام و انقلاب، به سطح نظام‌سازی و حرکت در مسیر تکامل با افق تمدن اسلامی ارتقا دهد. بر این اساس، جنبش‌های اخیر نوپای جهان اسلام، با نظر به انقلاب اسلامی در یک منزعه تمدنی به وقوع می‌پیوندند؛ منازعه‌ای که میان تمدن غربی و بزرگترین نامزد تمدن آینده یعنی اسلام به نمایندگی انقلاب اسلامی در جریان است [۵].

با توجه به مطالبی که درباره تمدن نوین اسلامی و مفاهیم مرتبط با آن ارائه گردید، همچنین با اذعان به اینکه هر یک از

پژوهش‌های انجام شده در این رابطه، به یکی از ابعاد و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی متمرکز شده و به آن پرداخته‌اند؛ پژوهش حاضر در صدد است با هدف واکاوی خصوصیات و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی پا را فراتر نهاده و به عبارتی، مختصری از مفاهیم مختلف و متنوع مرتبط با تمدن نوین اسلامی را ارائه نماید. برای نیل به این مقصود، پژوهشگر ضمن مراجعه به اسناد و مقالات چاپ شده در رابطه با موضوع پژوهش و مطالعه آنها، به برخی از مهم‌ترین مطالب آنها اشاره نموده است.

## تعریف تمدن نوین اسلامی

تمدن از جمله مفاهیمی است که به دلیل غامض بودن، تعاریف متعددی از آن ارائه شده است؛ برخی تمدن را با علم و تکنولوژی یکی انگاشته‌اند، برخی آن را محدود به قدرت سیاسی کرده‌اند. برخی مانند تایلور، تمدن را به عناصر و مؤلفه‌های تمدنی مثل هنر، اخلاق، آداب و رسوم تعریف کردند و برخی مانند آلفرد ویر به ویژگی‌های تمدنی توجه داشتند و کسانی مانند هومبولت در تعریفشان از تمدن به قلمرو آن اشاره کرده‌اند. بنابراین، در تعریف تمدن اختلاف رویکرد وجود دارد [۶]. تمدن از واژه لاتین (Civitas) معادل کلمه (Poleis) یونان قدیم می‌باشد. یونانیان باستان با استفاده از کلمه تمدن (Civilization) نشان دادند که شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانند که سازنده شکلی برتر از زندگی است. با توجه به این نکته، تمدن معانی مختلفی دارد ولی اصلی‌ترین معنای آن شهرنشین شدن و اقامت در شهر است و بر همین اساس، این کلمه معادل شهر آیینی و به معنای حسن معاشرت است [۷]. تمدن‌ها براساس نوع تکوین، اشکال مختلفی دارند و هر یک دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توان به وسیله آن تمدن‌ها را از یکدیگر بازشناخت و تقسیم بندی نمود. تمدن اسلامی از نوع تمدن‌های یکجانشین مبتنی بر حیات دینی و ایدئولوژی درون دینی است. از این رو تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که پایه و اساس آن بر محور دین اسلام پایه‌ریزی شده است؛ همان طوری که مدینه النبی براساس همین ارکان و مؤلفه‌ها شکل گرفت [۲]. تمدن اسلامی به عنوان نمونه کاملی از تمدن دینی شاخصه‌هایی دارد که آن را از دیگر تمدن‌ها متمایز می‌نماید. این شاخصه‌ها منبعث از قرآن و سنت بوده و از این جهت می‌تواند پاسخگوی پرسش‌های فراروی بشر باشد و الگو و نمونه‌ای برای سایرین محسوب شود. عمده‌ترین شاخص‌های تمدن اسلامی عبارتند از: خدامحوری و الهی بودن، عدالت گستری، اخلاق مداری، مدارا، تعقل و اندیشه‌ورزی [۲]. در جمع‌بندی تعریف تمدن می‌توان آن را حاصل امتداد فرهنگ و پذیرش نظم اجتماعی دانست که در آن از مرحله بادیه‌نشینی خارج و در شاهره نهادینه شدن امور اجتماعی و مدنیت گام گذاشته می‌شود. بر این اساس، تمدن حاصل عینیت‌یافتگی و امتداد مبانی شناختی هنجاری است که در آن به سؤالات بنیادین هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی پاسخ داده می‌شود و بر آن اساس، ارزش‌ها و نیز هنجارها که نسبت به ارزش‌ها انضمامی‌تر است، تعیین می‌گردد. در گام بعدی مبتنی بر مبانی هنجارهای شناختی، نظام‌های نظری - عملی تولید می‌گردد و بر آن اساس، نهادها شکل می‌گیرند و نهادها متکفل بازتولید نظام‌های نظری عملی‌اند. تفاوت تمدن‌ها از همین جا نشأت می‌گیرد و به عبارتی مدل‌های نظری عملی گوناگون، تمدن‌های مختلف را شکل می‌دهند. به عبارت ملموس‌تر، تمدن‌ها اشکال انضمامی‌شده مدل‌های نظری‌اند که انتزاعی هستند [۶].

## عوامل تمدن‌ساز در جوامع اسلامی

به اعتقاد رحیمی [۸]، مهم‌ترین عامل تمدن‌ساز در هر جامعه‌ای نظام علمی به معنای اعم آن است؛ به عبارت دیگر، هر تمدنی از یک نظام علمی قدرتمند، پویا و زاینده برخوردار بوده است. تمدن یونانی به رغم محدودیت مرزهای جغرافیایی و طول عمر کوتاه، یکی از تمدن‌های بشری است. علت اصلی زایایی و شکوفایی آن، نظام علمی قدرتمندی بود که بر اساس فعالیت‌های پیشروانه دانشمندان برجسته ایجاد شده بود. اما، امپراتوری روم، به رغم دیرپایی، اقتصاد توانا، قدرت نظامی برتر و در برخی از مقاطع زمانی نظام سیاسی پیشرو، هیچ‌گاه تمدن‌ساز نشد و علت اصلی فقدان نظام علمی پویا و کارآمد بود. مهم‌ترین بخش‌ها و مؤلفه‌های سازنده نظام علمی (و فن‌آوری) در هر تمدنی بدین قرارند:

الف) نظام آموزشی یاد نظام یادگیری و یاددهی؛

ب) سنت علمی، یا طریق و سلوک فردی و جمعی اتخاذ شده در کسب و انتقال معرفت علمی؛

ج) روش تحقیق و شیوه کسب معرفت جدید؛

د) نحوه به‌کارگیری علم در حوزه عمل.

در رابطه با تمدن اسلامی، وی اظهار می‌دارد، ریشه‌های تمدن اسلامی را نمی‌توان بدون نظام علمی، که برخاسته از آموزه‌های اسلامی است، شناخت و تحلیل کرد. به یقین، یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و شکوفایی تمدن اسلامی، مبانی و اصول برآمده از آموزه‌های اسلامی در خصوص نظام یاددهی و یادگیری و تحقیق و نوآوری است. خاستگاه تمدن استوار و زاینده‌ای که در جهان اسلام پدید آمد و چند قرن، برجسته‌ترین و غنی‌ترین تمدن جهانی محسوب می‌شد، متعلق به مکتبی بود که در آن علم و عالم، جایگاهی منحصر به فرد دارد. مکتبی که قرائت به حق آن، منشأ تولید علم، مبدأ نوآوری و گشایشگر فضای تعلیم و تحقیق است [۸].

## تفاوت تمدن غربی با تمدن اسلامی

به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای، تمدن غربی در قالب ((نظام سلطه)) و بر اساس قدرت و علم خود و خوی استکباری توانسته است جهان را به سیطره خود درآورد و جاهلیت نوینی را ایجاد کند. به اعتقاد ایشان، پیشرفت علمی غرب نتوانسته است مایه رستگاری مردمان آن باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین علت اینکه علم مایه رستگاری در تمدن غربی نگردیده، درباره جدایی علم از دین در غرب صحبت کرده‌اند [۹]. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جایگاه فقهی که رهبری حکومت اسلامی را بر عهده دارند، به موضوع تمدن اسلامی توجه کرده‌اند. در اندیشه ایشان، برای حل مشکلات جهان اسلام باید با یک ((جنبش نرم-افزاری)) به تولید علم پرداخت و مقدمات ایجاد تمدن نوین اسلامی را در آینده ایجاد کرد. همان‌طور که در تاریخ گذشته اسلام نیز ((تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد، به وجود آمد)) [۱۰]. ایشان نیز نگاهی آینده‌نگر و تمدن‌گرا به مسایل جهان اسلام دارند و قائل به رسالتی اساسی برای جمهوری اسلامی ایران در این حوزه هستند. به اعتقاد

ایشان ((ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم . . . مسأله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسأله این است که ملت ایران - همچنان که شأن اوست- در حال پدید آوردن یک تمدن است)) [۱۱]. ایشان از منظری آینده‌نگرانه، تشکیل دولت اسلامی را مقدمه‌ای برای تشکیل تمدن اسلامی دانسته‌اند. به اعتقاد ایشان ((ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد، تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد، تشکیل کشور اسلامی است و مرحله بعد، تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است)) [۱۲]. ایشان لازمه تمدن‌سازی را دست‌یابی به علم و فن‌آوری دانسته‌اند و بر اهمیت فکر و نیروی انسان، تأکید نموده‌اند [۱۳]. بدین ترتیب، می‌توان گفت که در اندیشه ایشان، چشم انداز پیشروی جمهوری اسلامی ایران برای آینده، تشکیل تمدن است. این تمدن، بعدی بین‌المللی دارد که دست‌یابی به آن، مستلزم طی چهار مرحله راهبردی یعنی انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی و تشکیل کشور اسلامی است. آنگاه با تشکیل یک کشور که به تمام معنا اسلامی باشد، این کشور الگویی برای سایر جوامع اسلامی خواهد بود و نظایر آن در دنیا تشکیل می‌گردد و جهان، شاهد تمدن نوین اسلامی خواهد شد. تمدنی که در آن علم، قدرت و ثروت در خدمت رستگاری و تحقق عدالت در جامعه بشری خواهد بود و در آن علم و معنویت، توأمان خواهند بود. به اعتقاد ایشان، لازمه تحقق تمدن یادشده، تقوای فردی و جماعت و امت و دست‌یابی مسلمانان به قله‌های علمی در حوزه جهانی است [۹].

تمدن غربی بر پایه نظام فکری لیبرالیستی و صرفاً دنیوی شکل گرفته و آثار و نتایج آن نیز با پایه‌های فکری اش تناسب و هماهنگی دارد. مصلحت نیست در نظام اسلامی از الگوی تمدنی غرب اقتباس شود. ما وارثان تمدن اسلامی - ایرانی، از منتقدان جدی این تمدنیم و ضمن رعایت انصاف، صراحت و برهان‌گویی نباید فرصت راهبرد انتقادی را از دست بدهیم. تمدن غربی پس از پیمودن راهی که به اشباع درون رسید، به جهانی‌سازی رو آورده است و با پروژه جهانی‌سازی، قصد سیطره بر جهان را دارد. هرچند بیداری ملت‌ها این پروژه را ناکام خواهد گذاشت ولی موفقیت‌هایی نیز در این جهت به دست آورده است. تردیدی نیست که تمدن غربی در پاسخگویی به نیازهای اساسی بشر ناکام مانده است. این ناکامی به ذات و سرشت این تمدن ارتباط پیدا می‌کند. تمدنی که مبتنی بر تحلیل درستی از فطرت الهی انسان و جامعه توحیدی پدید نیامده است، نمی‌تواند به نیازهای فطری پاسخ گوید. همین ناکارآمدی تمدن غرب، دلیل روشنی است که باید برای طراحی و تدوین طرح تمدن اسلامی همت گماشت و راه دیگری ساخت. مهم‌ترین دلیل برای طرح بحث تمدن اسلامی - ایرانی، کارآمدی دین در اداره امور زندگی و قابلیت آن در برنامه زندگی است. شریعتی که از سوی خداوند متعال برای زندگی انسان، طرح و نقشه دارد، ظرفیت تمدن‌سازی نیز دارد و فقط باید این ظرفیت را در ابعاد نظری و عملی احیاء کرد. اعتقاد بر این است که تمدن کنونی غرب در جنبه‌های مادی رشد کرده ولی در امور معنوی که از فطرت بشر ریشه می‌گیرد، عقب مانده است و گاهی نیز اخلاق و معنویت کاذب را در دامن خود پرورش داده است. بی‌تردید برای ایجاد جامعه توحیدی و انسان موحد، متفکر و آگاه، به تمدنی نیاز است که بر پایه تحلیل دقیق و صحیح از فطرت الهی انسان استوار شود؛ تمدنی که در آن مادیات و معنویت در یک سازگاری و انسجام انسان‌ساز با یکدیگر ترکیب شده باشد [۱۴].

## اصول تمدن‌سازی اسلامی

بر اساس نظر رحیمی [۸] برخی از مهم‌ترین قواعد سنت‌ساز و اصول جاری در فعالیت‌های علمی و شیوه‌های کسب معرفت در تمدن اسلامی بدین شرح است:

### اصل اول: میراث داری علوم؛ انتقال، مطالعه و فهم آثار دانشمندان پیشین

تمدن‌های بالنده خود را میراث‌دار علوم و فنون و محاسن و نقاط قوت تمدن‌های پیشین می‌دانند و مهم‌ترین نماد آن را باید در شناسایی و بهره‌گیری از آثار و تجربیات علمی و فنی تمدن‌های قبلی جست. سنت زنده و پیشرو علمی، بر دستیابی، مطالعه، بررسی و تبیین آخرین یافته‌های دانشمندان دیگر قبل از آغاز هر فعالیت پژوهشی حکم می‌کند. امری که اینک به ((مرور پیشینه علمی)) مشهور است و پیش‌نیاز شروع هر فعالیت تحقیقاتی است. در تمدن اسلامی، این موضوع در جغرافیای وسیع جهانی و در پهنه فراخ زمانی بیش از یک قرن رخ داد؛ جریانی که به نهضت گسترده و فراگیر ترجمه در تمدن اسلامی مشهور شد و عینیت یافتن آن بهترین گواه این اصل است.

### اصل دوم: بهره‌گیری عالمانه و نقادانه از آثار دانشمندان گذشته

در تمدن اسلامی، میراث‌داری علمی فقط به حراست از دانش‌های منتقل شده، حفاظت از سنت‌های بر جای مانده و تحویل آن به نسل‌های آینده محدود نگشت. بلکه تلاش وسیعی صورت گرفت تا تمام منابع منتقل شده با دقت علمی بی‌نظیر و نگاه نقادانه و موشکافانه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

### اصل سوم: میراث‌سازی؛ نوآوری

دانشمندان مسلمان پس از انتقال، مطالعه و بررسی، تجزیه و تحلیل، هضم و جذب، نقادی و طرد اغلاط علمی آثار و آرای دانشمندان پیش از خود، به توسعه دانش موجود و نوآوری در آنها و پدید آوردن شاخه‌ها و رشته‌های جدید دانش همت گماشتند.

### اصل چهارم: آزاداندیشی؛ حقیقت‌جویی بی‌تعصب

آزاداندیشی علمی، تلاشی آگاهانه برای دستیابی به حقایق مبتنی بر خرد و اندیشه درست، روش استوار و برهان‌های متین، فارغ از مغاطات بی‌مبنا، تعصبات جاهلی و پیش‌داوری‌های گمراه‌کننده است. دانشمندان برجسته تمدن اسلامی منادی بی‌چون و چرای آزاداندیشی در عرصه علم و عمل بوده‌اند. در طول حیات پربرکت تمدن اسلامی، یکی از تلاش‌های مستمر و گاه طاقت‌فرسای دانشمندان مسلمان مبارزه با دیدگاه‌های متعصبانه، معارضه با خرافات و انحرافات در پوشش علم و مقابله با برداشت‌های محدودکننده از علوم مختلف بوده است. آزاداندیشی پیش‌نیاز هر نوع نوآوری در هر تمدنی است.

### اصل پنجم: جامع‌نگری در کسب معرفت علمی؛ وحدت علوم در معرفت‌شناسی اسلامی

در فعالیت‌های علمی دانشمندان مسلمان دو رویکرد علمی کاملاً مشهود است: نخست آنکه، شاخه‌های متعدد علمی را دارای مبادی مشترکی می‌دانستند و لذا بر نگاه آنها به طبیعت و ماورای طبیعت و انسان، نوعی وحدت رویه حاکم بوده است. دوم آنکه، آنها هیچ‌گونه منافاتی بین علم و دین نمی‌دیدند، بلکه برعکس آنها را کاملاً سازگار و به هم پیوسته می‌دانستند.



### اصل ششم: روش‌مندی در کسب معرفت؛ روش تجربی در علوم طبیعی

دانشمندان مسلمان بر این نکته حیاتی در کسب معرفت علمی آگاه و عامل بوده‌اند که دستیابی به دانش در هر حوزه علمی باید به مدد روشی متناسب و در خور آن حوزه صورت گیرد. دانشمندان مسلمان از بنیان‌گذاران روش درست پژوهش علمی از جمله روش تجربی در علوم طبیعی می‌باشند.

### اصل هفتم: کاربردی کردن دانش؛ علم معطوف به عمل

در حوزه علوم طبیعی راهبرد اصلی آثار دانشمندان مسلمان، کاربردی بودن آنهاست. مصادیق چنان زیادند که به جرأت می‌توان گفت اکثر آنها با رویکرد کاربردی و به منظور استفاده مردم و صنایع ذی‌ربط نوشته شده است.

### اصل هشتم: تواضع علمی

از خصلت‌های بارز دانشمندان مسلمان، تواضع همراه با اعتماد به نفس علمی است. ابوریحان بیرونی، از نوایغ علمی تمدن اسلامی، در صفحات آخر کتاب خود آثارالباقیه و به عنوان آخرین نکته می‌نویسد: ((خوانندگان این کتاب از سه دسته بیرون نیستند؛ یا شخصی است که در علم با من هم‌پایه و هم‌سنگ است. این شخص مرا سپاس خواهد گزارد و در موضوعاتی که من در آن سعی مبذول داشتم، زحمات مرا تقدیر خواهد کرد و یا اینکه مرتبه علمی او از من برتر و بالاتر است، این شخص باید در اصلاح خلل این کتاب بر من تفضل نماید و اگر لغزشی در آن مشاهده کند مرا معذور دارد و یا آنکه خواننده این دفتر هیچ یک از این دو طبقه که گفته شد، نیست و دانش او از دانش من کمتر است. من برای این شخص، اسباب استفاده را فراهم کرده‌ام و اگر اهل عناد است او را از اتیان بمثل (آوردن مثل آن) عاجز و ناتوان ساختم.

### اصل نهم: جدل احسن علمی

جلسات مباحثه و نشست‌های بحث و اقناع علمی و مناظره‌های مکتوب علمی در تاریخ تمدن اسلام فراوان است. شاید از بارزترین مناظرات علمی تمدن اسلامی بین دو نابغه علمی زمان، یعنی ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی رخ داده باشد.

### اصل دهم: کتابت و انتشار نتایج فعالیت علمی

دانشمندان مسلمان در تدوین یافته‌های علمی خود و انتشار آنها بسیار فعال بودند. تعداد معدودی از دانشمندان مسلمان هستند که تألیفات اندکی دارند، اکثریت آنها پر تألیف بوده‌اند.

### اصل یازدهم: آئین‌مندی تعلیم و تعلم

در تمدن اسلامی، نظام یاددهی و یادگیری از قواعد، رسومات و آداب خاصی برخوردار بوده است که جمعاً از آن می‌توان به ((فرهنگ آموزش در تمدن اسلامی)) یاد کرد.

### اصل دوازدهم: تحمل سختی‌ها و مقابله با دشواری‌ها

دانشمندان مسلمان گاه از جانب امرای دانش‌دوست و افراد حقیقت‌طلب حمایت می‌شدند ولی اغلب با مصائب و سختی‌های فراوان و شرایط دشوار فعالیت‌های علمی خود را دنبال می‌کردند و برای رسیدن به حقیقت، لحظه‌ای از پای نمی‌نشستند.

## فرهنگ ایرانی - اسلامی و نسبت آن با تمدن اسلامی

در مباحث مربوط به تاریخ تمدن‌ها، فرهنگ و تمدن اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. میراث فرهنگ و تمدن اسلام، به هیچ وجه کمتر از میراث یونان باستان نیست. اسلام نه تنها به عنوان یکی از ادیان بزرگ الهی حایز سهمی بسزا در تحولات تاریخ بشری است، بلکه به واسطه نگاه ویژه به اجتماع و سیاست، که حاصل آن ظهور تمدن و فرهنگی مختص به خود بوده، نیز حضور پررنگ‌تری در عرصه تاریخ جهان یافته است؛ به گونه‌ای که شناخت تاریخ تمدن جهانی بدون عنایت ویژه به تاریخ تمدن اسلامی تقریباً ناممکن است. از همین روی، محققان و پژوهشگران غربی از همان آغاز آشنایی با مشرق زمین به این مهم پی برده و با نگرش خاص خود تا عصر حاضر، بخشی از آثارشان را به شناخت جنبه‌های گوناگون تاریخ و فرهنگ اسلامی اختصاص داده‌اند. با وجود این، غالب ایشان به تمدن و فرهنگ اسلامی نگاهی موزه‌ای دارند و آن را واقعیتی مربوط به گذشته می‌دانند که یکبار اتفاق افتاده و به رغم درخشش اولیه و تأثیر در رشد و گسترش تمدن بشری، اکنون شعله‌های آن خاموش گشته و به تاریخ پیوسته و سخن از احیا و بازسازی آن، امری مهمل است. مورخان معاصر جهان عرب هم که در زمینه معرفی و بازیابی عناصر تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، گام‌های بلندی برداشته‌اند، عمدتاً گرفتار عرب‌گرایی شده و میراث اسلامی را اغلب در چهارچوب میراث عربی بررسی کرده و به ناحق، تمدن اسلام را همان تمدن عرب فرض کرده‌اند؛ غافل از اینکه شکل‌گیری تمدنی سترگ و تازه در جهان با نام ((تمدن اسلام))، در اصل معلول دیدگاه جهان‌شمول اسلام بوده است. بر این مبنا تا حد بسیاری بر اساس میراث تمدنی سایر اقوام و ملل شکل گرفته است. بنابراین، محصور کردن و مساوی دانستن آن با عرب و تمدن عربی نامیدن آن، اشتباهی فاحش است [۱۵]. درباره مهندسی تمدن اسلامی آنچه در گام اول بسیار اهمیت دارد، شناخت جامع و کامل از مفهوم تمدن اسلامی، گستره آن و فرآیند دستیابی به آن است و در گام دوم، شناخت مبانی استواری است که قرار است تمدن اسلامی بر آن بنا گذاشته شود. عدم توجه به مبانی تمدن اسلامی سبب می‌شود که یا در تصویر تمدنی یا در اسلامیت تمدن اسلامی به خطا رویم. اکنون و با لحاظ این واقعیت که امروزه مطالعات دین و عرصه دین‌پژوهی گویای یکی از جدی‌ترین و بارورترین بسترهای ژرف‌اندیشی در حوزه اندیشه است، باید آموزه مهدویت را محل ملاقات اندیشه‌ها و پژوهش‌های فاخر در عرصه دین‌پژوهی و مطالعات تطبیقی دین و مناسبات ملموس عصر جدید قرار دهیم. رویکرد تمدنی به آموزه مهدویت تصویرگر فهمی تازه و ارائه برداشتی نوآمد از نقش‌آفرینی این آموزه در جامعه است. نگاه سطحی، تلقی حداقلی و رویکرد ساده‌انگارانه به این آموزه، آسیبی است که می‌تواند متوجه این آموزه شود؛ همچنان که حرکت عالمانه و رویکرد راهبردی می‌تواند زمینه‌ساز تحقق اهداف عالی این آموزه گردد. به هر روی، خروج از روزمرگی و برنامه‌های غیرمنسجم، بازگرداندن هویت واقعی مهدویت به چهارچوب استانداردهای برخاسته از فرهنگ دینی، افزایش سهم حضور مطالعات مهدوی در عرصه بین‌الملل، تأثیرگذاری بر افکار به جای کنترل نتایج، دریافت و درک زودهنگام خطرات تهدیدکننده اندیشه مهدوی از جمله کارکردهای رویکرد تمدنی به آموزه مهدویت است [۱۶].

## مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی

به طور کلی، مؤلفه‌های یک تمدن را می‌توان به دو دسته مؤلفه‌های نرم‌افزاری و مؤلفه‌های سخت‌افزاری تقسیم نمود؛ در نگرشی عام، مؤلفه‌های نرم‌افزاری شامل علم، دین و هنر است. این سه، عناصر ذهنی و معنوی یک تمدن هستند که در طول تاریخ آن تمدن، تجلیات عینی چندی را محقق ساخته‌اند. مؤلفه‌های سخت‌افزاری، مواردی نظیر جمعیت انسانی، شهر (هم به معنی دولت و نظام سیاسی و هم به معنای سرزمین)، اقتصاد و فن‌آوری را شامل می‌شود [۱۷]. از چشم‌اندازی دیگر، مهم‌ترین و اولین ویژگی تمدن اسلامی، اصالت و غنای فرهنگ اسلام است. در این تمدن، قرآن مرکز و نقطه اساسی علم و علم‌آموزی است. در مرتبه پس از قرآن، سخنان و تعالیم پیامبر که از به سنت تعبیر می‌شود، قرار دارد. در این قسمت ابتدا به برخی از مشکلات و نابسامانی‌های موجود که گریبان‌گیر جهان اسلام و تمدن اسلامی شده و در ادامه راهکارهای مقابله با مسایل و مشکلات جهان اسلام از نگاه امام (ره) اشاره می‌شود [۱۸]:

### مشکلات و نابسامانی‌ها

۱. فرقه‌گرایی: شیوه سنتی بهره‌کشی از ملت‌ها، پراکندن تخم نفاق میان آنهاست. در قرآن نیز به این موضوع اشاره شده که فرعون نیز از همین شیوه برای به برده کشیدن مردم دروه خود استفاده می‌کرد. فرعون و فرعونیان زمان نیز از همین شیوه در به بردگی کشاندن مسلمانان بهره می‌جویند. امروزه فرقه‌های متفاوتی از جمله شیعه و سنی، حنفی و مالکی و . . . در میان مسلمانان دیده می‌شود. گرایش به مسأله فرقه‌گرایی از خواسته‌های امپریالیسم است که از این طریق جهان اسلام را مجبور کند هویت اساسی خود را از دست داده و به فرقه‌های مختلف گرایش پیدا کند.
۲. نابسامانی‌ها و چالش‌های ناشی از جهانی شدن: جهانی شدن چه در سطوح تولید و چه در سطح ابزار و روش‌ها، چالش‌های بی‌شماری را برای فرهنگ اسلامی با خود به همراه آورده است. در این زمینه باید اعتراف کنیم که ما در روش‌های آموزشی و برخورد با مشکلات و پدیده‌های نوین جهانی، هنوز هم به طور انفعالی عمل می‌کنیم و در مسأله جهانی شدن، ابتکار عمل را در دست نداریم.
۳. رهبری امت اسلام: با تأمل در اندیشه امام (ره) در می‌یابیم که ریشه بسیاری از مشکلات و مسایل امت اسلام، نبود رهبری یا خلأ تئوریک رهبری است. این کمبود، موجب تضعیف سازمان‌های اسلامی از جمله سازمان کنفرانس اسلامی شده است. یک فرد در مقام رهبری باید جهت حل مسایل امت اسلام پیش‌سیاسی داشته و برای رویارویی با نیروهای استثمارگر، از شهامت و شجاعت کافی برخوردار باشد. امام خمینی (ره) رهبری با این خصوصیات برای ملت ایران بودند و تمام رهبران جنبش‌های اسلامی از ایشان الهام گرفته و دنباله‌رو راه ایشان می‌باشند.
۴. حاکمیت حکام ظالم و فاسد: از نگاه امام خمینی (ره) بخش عظیمی از نابسامانی‌های موجود در جهان اسلام ناشی از وجود حکام جور است. اصولاً بخشی از گرفتاری‌ها از قبیل وابستگی به قدرت‌های ظالم، احساس حقارت در برابر

- قدرت‌های سیاسی و اقتصادی از ناحیه حاکمیت طاغوت و قدرت‌های غیرمشروع در جوامع اسلامی می‌باشد.
۵. اسلام آمریکایی: بازخوانی گفتارهای امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که ایشان همواره از برداشت‌های سوء و نادرست از اسلام نگران بود. مهم‌ترین نگرانی درباره روایتی از اسلام بود که بعدها در گفتار ایشان با عنوان اسلام آمریکایی از آن نام برده شد.
۶. مشکل وابستگی: بزرگترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد. تا زمانی که استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر نیز حاصل نخواهد شد.

### راهکارهای مقابله با مسایل و مشکلات مطرح شده از نظر امام (ره)

- ۱- ضرورت وحدت: به نظر می‌رسد امام خمینی (ره)، طرح راهبردی تحقق وحدت سیاسی جهان اسلام را در قالب یک نظریه سیاسی و تلقی وحدت به عنوان امری راهبردی و استراتژیک طی چند فرآیند و مرحله به تصویر می‌کشد که شامل ایجاد بستر و شرایط مناسب برای تحقق وحدت، فعال شدن نخبگان سیاسی و مذهبی به عنوان مجریان وحدت، به کارگیری ابزارهای لازم برای حرکت در مسیر اتحاد سیاسی مسلمانان و در نهایت تشکیل دولت بزرگ اسلامی می‌شود. وحدت امت اسلامی به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت اسلام و سراسر جهان اسلام است، به گونه‌ای که در نهایت نویدبخش تشکیل امت واحد اسلامی باشد.
- ۲- ضرورت خودباوری: با تحلیل و بررسی آثار امام (ره) چاره‌ای برای ما نیست، جز به راه انداختن جنبش و حرکت فراگیری که طی آن امت به خود آید تا بتواند داشته‌ها و امکانات مادی و توانایی‌های معنوی خود را در جهت تجدید اعتبار در میان امت‌های دیگر، به کار گیرد. تکیه بر دیگران و وابستگی به آنها در هر صورتی که باشد، با تعالیم اسلام که بر استقلال شخصیت مسلمانان، چه در مسایل اعتقادی و حوزه اندیشه و چه در مسایل ظاهری و چه در رفتار و کردار، تأکید فراوان دارد، سازگار نیست؛ بنابراین پیروی و اطاعت از دیگران در مسایل اعتقادی و رفتاری، جز با ضعف ایمان و یا عدم اعتقاد و وفاداری به خدا توجیه‌پذیر نیست.
- ۳- ضرورت احیای تفکر اسلامی از منظر امام (ره): امروزه در جهان اسلام به ویژه در خلیج فارس فعالیت‌های دینی مجدداً سازمان یافتند و روند احیای تفکر اسلامی به عنوان یک حرکت اجتماعی وسیع در مقابله با بحران نوسازی غربی ظهور یافته است. در بسیاری از این کشورها اکثر جوانان مسلمان به ویژه کسانی که عضو طبقات متوسط و پایین می‌باشند اسلام را به عنوان فرهنگی که آنان را از خودبیگانگی و ناامیدی‌های مفرط نجات می‌دهد و مدل عملی حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در جهان تحت سلطه غرب ارائه می‌کند، پذیرفته‌اند. در یک کلام، امروز اسلام همچنان نیروی قدرتمند فرهنگی در جوامع اسلامی و در خاورمیانه است.

مفتخری [۱۵]، نیز مؤلفه‌های تمدن اسلامی را به شرح ذیل برمی‌شمرد:

- ۱- اندیشه جهانی، جهان‌شمولی و نبود مرز و محدوده: اسلام از همان آغاز، داعیه جهان‌شمولی داشته و خود را در حصار تنگ نژادی، قومی و زبانی محصور نساخته است. گرچه خاستگاه آن در میان قوم عرب بود، رسالتی جهانی را تبلیغ می‌کرد. از سوی دیگر، اسلام در محلی ظهور یافت که مرکز فرهنگی جهان زمان خود محسوب می‌شد و فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و ادیان بزرگ آن زمان در اطراف آن حضور داشتند.
- ۲- تساهل و مدارا، گشادگی مشرب، آمادگی برای پذیرش افکار تازه و عناصر فرهنگی دیگران و منطبق ساختن آنها با روح توحیدی اسلام از دیگر ممیزات اساسی فرهنگ و تمدن اسلامی بود. تمدن اسلامی، درهای خود را به روی تمدن‌های دیگر نبست.
- ۳- سادگی و سهولت احکام اولیه اسلامی در مقایسه با آداب و تشریفات خسته‌کننده آیین‌های هم‌عصرش، همچنین برخس تشابه‌ها با سایر ادیان توحیدی در احکام، عبادات و مفاهیم مذهبی می‌توانست نقش مهمی در جذب افراد به اسلام و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی داشته باشد.
- ۴- تبلیغی و باز بودن اسلام در مقایسه با آیین‌های بسته‌ای چون یهود و زردشتی، از دیگر ویژگی‌های دیانت جدید بود، لکن نهادی مشخص و متشکل که اختصاصاً وظیفه تبلیغ دین را بر عهده گیرد، وجود نداشت؛ با وجود این، معمولاً در میان سپاهیان مسلمان گروهی را روانه می‌ساختند که در دین‌داری و ایمان سرآمد بودند.
- ۵- تعادل در نگرش میان دنیا و عقبا و نیز توجه به سیاست و اجتماع از دیگر ممیزات درخور توجه فرهنگ و تمدن اسلامی است.
- ۶- تأکید بر عدالت و برابری اقوام و نژادها و احترام به حقوق ملل و مذاهب دیگر، از مشخصات بارز احکام اسلام بود که بعدها در زمان امویان با سیاست برتری‌جویی عربی ایشان به فراموشی سپرده شد.
- ۷- و سرانجام باید به مؤلفه ایجاد زمینه فکری برای گسترش نهضت علمی، با تأکید بر فرصت برابر برای همه اقشار اجتماعی در زمینه علم‌آموزی، اشاره نمود.

### استلزامات تمدن‌سازی اسلامی

- در باب استلزامات تمدن‌سازی، ملکی و ملکی [۱۴]، به سه دسته از استلزامات شامل: استلزامات عقلی، اخلاقی و معنوی اشاره می‌نمایند که شرح مختصری از آنها در ادامه آمده است.
- الف) استلزامات عقلی تمدن‌سازی: عقلانیت در فرآیند تمدن‌سازی اسلامی، از جهتی هم ((طریقت)) دارد و هم به عنوان رکن یا وسیله در برپایی تمدن اسلامی باید مورد استفاده قرار گیرد و شامل مؤلفه‌های ذیل می‌باشد:
- ۱- اجتهاد پویا و بالنده: جاودانگی و جهانی بودن تعالیم اسلام، متضمن ظرفیت علمی و پژوهشی پایان‌ناپذیری در این دین

است که به موجب آن، عالمان دینی این امکان را می‌یابند که بر محوریت اجتهادی پویا، پاسخ‌هایی متناسب با زمانه ارائه کنند. همین مقابله سرافرازانه دین در قبال پدیده‌های جدید و نوظهور، موجب اثبات کارآمدی دین و پذیرش مشتاقانه آن از سوی عموم انسان‌ها می‌شود. اجتهاد دینی را باید حد وسط میان تحجر و تجدد دانست که هر کدام به طور جداگانه سد راه تولد و تداوم تمدن اسلامی به شمار می‌آیند.

۲- مدیریت کارآمد: تمدن‌سازی پدیده‌ای چندبعدی است که به مدیریت کارآمد، نیاز مبرم دارد. صرف قرار گرفتن اندوخته‌های مفید در کنار هم، تمدن‌ساز نیست، بلکه ارتباط و مناسبات منطقی اندوخته‌ها با یکدیگر و برنامه‌ریزی هدفمند است که شکل‌گیری تمدن را موجب می‌شود. تبدیل منابع به امکانات قابل دسترس و هدایت آن در جهت تحقق اهداف مورد نظر، اصل مهمی است که در پرتو مدیریت کارآمد عملی می‌شود.

۳- اهتمام به تولید دانش بومی: در ضرورت تولید و نشر علم و تأثیرات تمدنی فوق‌العاده آن، همین بس که با طلوع خورشید اسلام در عربستان مقارن بوده است. مکتب اسلام پیروان خود را در کنار تربیت معنوی، تربیت علمی می‌کند و به آنان می‌آموزد که دست‌بندی‌های ارزشی و عقیدتی را وارد فضای تبادلات و مناظرات علمی نکنند و بدون غرور و تعصب، هر سخن حقی را در هر جایی که یافتند، فرا بگیرند؛ زیرا لازمه حیات و پویایی علمی، زوال تعصبات باطل و برخورداری از روحیه علمی است.

۴- عبرت‌گیری: عبرت‌گیری از حوادث و پدیده‌ها، نوعی عملیات فکری است که طی آن، عبرت‌گیرنده از مقدمات حسی مثل دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها بهره می‌گیرد و با گذر از آنها به معرفتی ورای آنها منتقل می‌شود و به نتیجه‌ای منطقی و معقول دست می‌یابد.

ب) استلزامات اخلاقی تمدن‌سازی: نقش بی‌بدیل فضایل اخلاقی در امر تمدن‌سازی بر کسی پوشیده نیست. هر اجتماعی از انسان‌ها که تقیدی به خصلت‌های نیکو نداشته باشد؛ حتی اگر از همه سطوح و ابعاد عالم طبیعت آگاهی داشته و از حد اعلای آن نیز برخوردار باشد، حلاوت انسانیت را نخواهد کشید. در حقیقت، لزوم خصلت‌های نیکو برای یک جامعه متمدن، لزوم آب برای هر روییده نیازمند آب است. تبلور آن دسته از مؤلفه‌های اخلاقی که زمینه‌ساز تمدن‌سازی اسلامی خواهد بود عبارتند از:

۱- تقویت حس کرامت: ارزش کرامت در میان شبکه وسیع و به هم پیوسته ارزش‌های انسانی و الهی از موقعیتی ویژه برخوردار است. از آنجایی که انسان پرتوی از عالم غیب و ملکوت است، ریشه احساسات اخلاقی از همین ناحیه پیدا می‌شود.

۲- اصالت اخلاقی: منظور از اصالت اخلاقی، مجموعه‌ای از خصوصیات نژادی و اقلیمی است که باعث می‌شود ملتی از ظرفیت اخلاقی بالایی برخوردار باشد. مطابق کتب تاریخی، ایرانیان از نوادر قومی در تاریخ بودند که از همان ابتدای ورود اسلام به ایران، آگاهانه و مشتاقانه، پذیرای تعالیم اسلامی شدند. این خصوصیات به مثابه ظرفی است که در برگیرنده مظروفی به نام ارزش‌های اخلاقی است.

۳- پرهیز از غرور و خودستایی: غرور و خودپرستی، صفت اخلاقی مذمومی است که فرد و جامعه را به عقب‌ماندگی و

فلاکت می‌کشد و عامل بازدارنده‌ای است که پیشرفت‌های علمی و معنوی را کند و گاهی متوقف می‌کند.

۴- مدارا و سعه صدر: مدارا و سعه صدر به نوبه خود از استلزامات اخلاقی اعجاب‌انگیز به حساب می‌آید و دامنه آن به فراتر از حیات فردی انسان‌ها گسترش می‌یابد.

۵- مهرورزی و خوش‌رفتاری: تشکیل پیوندهای محکم انسانی بر محوریت دوستی‌ها و صمیمیت‌های خالصانه از اهم توصیه‌های اجتماعی دین مبین اسلام است. آنچه باعث استحکام درونی مناسبات اجتماعی می‌شود، مهرورزی و اظهار محبت به یکدیگر است.

ج) استلزامات معنوی تمدن‌سازی اسلامی: تمدن اسلامی که به درستی باید آن را تجسم عینی فطرت دانست، همانند ساختار وجود انسان، از جسم و روح به هم پیوسته‌ای برخوردار است. جسمیت تمدن اسلامی، در قالب مظاهر و نمادهای خیره‌کننده تمدن قابل مشاهده است. اما در ورای این صورت ظاهری، معنویت اصیل و پرجاذبه‌ای قرار دارد که بدون آن، مظاهر تمدن اسلامی به مظاهری بی‌روح و عاری از کشش و تأثیر معنوی تبدیل می‌شوند. پرواضح است که تولید چنین معنویتی به استلزامات خاصی نیازمند است که به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱- تقویت نگرش توحیدی: معرفت به وحدانیت الهی، اساسی‌ترین اصل در اعتقادات اسلامی شمرده می‌شود و نسبتی حیات‌بخش با جریان معنویت‌گرایی اسلامی دارد. جهت اصلی که یک انسان معنوی باید طبق آن حرکت کند، از مبدأ و غایت مشخصی برخوردار است. علم به این ابتدا و انتها، به اندازه‌ای مهم و سرنوشت‌ساز است که بدون آن، گفتمان معنویت‌گرایی اسلامی معنا و حجیت خود را از دست می‌دهد. توحیدباوری برای انسان معنوی تنها لقلقه زبان نیست بلکه قلب تپنده حیات معنوی وی به شمار می‌رود.

۲- مقابله با عناصر معنوی کاذب: ذات معنویت که از ارتباط انسان با عالم معنا حکایت دارد، به دلیل سیال بودن، نامرئی بودن و قرار گرفتن انسان در موضعی منفعل، به انضباط‌بخشی و مراقبت دائم نیاز دارد. آنچه دین و شریعت بر عهده می‌گیرند، پاسداشت از مرزهای معنویت‌گرایی است تا به واسطه ورود تدریجی و مخفیانه عناصر معنوی کاذب، زمینه انحرافات فکری و رفتاری ایجاد نشود.

۳- تبیین صحیح مؤلفه‌های معنوی: تمدن‌سازی واقعی است که به بازخوانی و تبیین صحیح مؤلفه‌های معنوی نیاز مبرم دارد. گاهی در جامعه اسلامی، ممکن است تلقی‌های وارونه‌ای نسبت به برخی از مؤلفه‌های معنوی به وجود آید که شکل‌گیری مجموعه‌ای از این پنداشت‌های نارو، جامعه را در وضعیتی راکد و ایستا نگه داشته و فرصت‌های رشد و ترقی را از بین می‌برد.

### اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی

اگر بپذیریم که تمدنی نو در بین مسلمانان در حال شکل‌گیری است. به آسانی می‌توان درباره نقش آموزه مهدویت در تمدن جدید سخن گفت. پیدایش تمدنی جدید، یعنی جوامع اسلامی رو به سوی مقصدی دارند که در آن، متأثر از آموزه‌های اسلامی، تمدنی جایگزین تمدن غرب را تجربه خواهند کرد. این تمدن جدید، اگر الگویی مشخص پیش رو داشته باشد، می‌تواند با معیار

قرار دادن آن، مسیر و گام‌های خود را به سوی آن جهت دهد و همواره موقعیت خود را با آن بسنجد. آموزه‌های مهدویت به دلیل در بر داشتن مدل‌های تمدنی، از این قابلیت و ظرفیت برخوردار است که به مثابه چشم‌اندازی برای تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار گیرد، یعنی می‌تواند پاسخگوی این پرسش باشد که آینده این تمدن چگونه باید باشد [۱۹]. در نگاهی کلی می‌توان گفت جایگاه آموزه‌های مهدوی در تمدن جدید اسلامی، جایگاه ترسیم آینده است؛ ولی به این موضوع از دو زاویه متفاوت می‌توان نگریست: از منظر فلسفه تاریخ و دیگری از منظر ویژگی‌های تمدنی. یکی از رایج‌ترین نگاهها به فلسفه تاریخ، گویای آن است که تاریخ به سوی غایت مشخصی حرکت می‌کند و آموزه مهدویت، گویای یکی از دیدگاهها درباره فرجام تاریخ است [۲۰]. در نهایت می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که وجه پیوند اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی که در حال شکل‌گیری است؛ چشم‌اندازی تجویزی برگرفته از ارزش‌ها و اهداف نهفته در اندیشه مهدویت است که با فرض مدیریت‌پذیری تمدن، می‌تواند نقطه آغاز برنامه‌ریزی برای دغدغه‌مندان این تمدن باشد و به سطوح مختلف برنامه‌های اجرایی نیز سمت و سو بدهد [۱۹].

## نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه اولین قدم برای تمدن‌سازی، شناخت عمیق و دقیق تمدن می‌باشد و برای نیل به این مهم، مطالعه مهمترین خصوصیات و ویژگی‌های تمدن اسلامی دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ لذا پژوهش حاضر با هدف واکاوی خصوصیات و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی انجام شد. در باب تعریف تمدن به طور اعم و تمدن نوین اسلامی به طور اخص، بین آثار محققان این حوزه، همگرایی مشاهده نگردید و در واقع، هر یک بیشتر متمرکز بر جنبه‌ای از تمدن نوین اسلامی بوده و بحث خود را حول آن محور قرار دادند. ولی به طور کلی می‌توان اظهار داشت که محور اصلی تمدن اسلامی، خدامحوری، عدالت‌گستری، اخلاق-مداری، عقلانیت و مواردی از این دست می‌باشد. در رابطه با عوامل تمدن‌ساز به طور اعم، به نظام‌های آموزشی، سنت علمی، روش‌های پژوهش و نحوه به کارگیری علم در میدان عمل اشاره گردید که در جوامع اسلامی نیز این عوامل در زمره مهمترین عوامل تمدن‌ساز به شمار می‌روند. در ادامه تفاوت بین تمدن غربی و تمدن اسلامی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بررسی گردید و در همین راستا، ایشان مراحل را برای تمدن‌سازی اسلامی برشمردند. تمدن اسلامی بر پایه فطرت الهی و جامعه توحیدی شکل گرفته و از این جهت با تمدن غربی که عمده تأکید آن بر نظام دنیوی و مادی است، متمایز می‌باشد. در رابطه با اصول تمدن‌سازی اسلامی نیز بر اساس مطالعه مقالات مربوط به این حوزه، اصول دوازده‌گانه‌ای از قبیل؛ میراث‌داری علوم، بهره‌گیری عالمانه و نقادانه از آثار دانشمندان، میراث‌سازی، آزاداندیشی و ... ذکر گردید. در بحث فرهنگ ایرانی - اسلامی و نسبت آن با تمدن اسلامی ضمن ارائه توصیفی مختصر از تاریخ تمدن‌ها، صاحب‌نظران این حوزه خاطر نشان ساختند که تمدن اسلامی - ایرانی، متمایز و متفاوت از تمدن غربی می‌باشد و به اندیشه مهدوی و منجی‌گرایی در این تمدن اشاره گردید. در باب مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی نیز برخی محققان به طور کلی به وجود دو جنبه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تمدن



پرداخته و برخی دیگر، مؤلفه‌ها و شاخص‌های دیگری از جمله قرآن و سنت را به مثابه مهمترین شاخص‌های زیربنایی تمدن اسلامی معرفی نمودند. تبعاً در هر تمدنی مشکلات و نابسامانی‌هایی نیز وجود دارد و تمدن اسلامی نیز مبری از این مشکلات نخواهد بود؛ به همین دلیل در ادامه بحث مربوطه، مسائل و مشکلات تمدن اسلامی و راهکارهای ارائه شده از سوی حضرت امام خمینی (ره) ارائه گردید. که به عنوان چراغی برای هدایت و روشننگری مورد استناد می‌باشد. در ادامه به مهمترین استلزامات تمدن‌سازی اسلامی در قالب سه بعد عقلی، اخلاقی و معنوی اشاره گردید و زیرمؤلفه‌های هر یک از ابعاد فوق‌الذکر مختصراً تشریح گردید. آخرین مبحث ارائه شده، اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی بود که به جهت سمت و سو دادن به تفکرات اندیشمندان این حوزه و آینده‌نگری، حائز اهمیت فراوان است. بدون تردید یکی از اولین گام‌ها برای کاوش در تمدن اسلامی، شناخت جنبه‌های مختلف این تمدن است؛ هرچند شمول و گستردگی دین مبین اسلام و تمدن نوین اسلامی که بر پایه آموزه‌های آن شکل گرفته، بسیار گسترده و ژرف بوده و نیازمند تحلیل همه‌جانبه عوامل دخیل و ذی‌ربط فراوانی است که به هیچ عنوان در قالب این نوشتار نمی‌گنجد، با این حال، تلاش گردید تا اشاره‌ای مختصر به برخی از این ابعاد و مؤلفه‌ها نموده و به نوعی، این نوشتار مختصر، سرآغازی برای انجام پژوهش‌های عمیق و ژرف‌نگرانه اندیشمندان و صاحب‌نظران علاقمند به مباحث تمدن‌شناسی باشد.

## منابع

۱. داوری اردکانی، رضا. (۱۳۸۰). تمدن و تفکر غربی. تهران: انتشارات ساقی-۱۱۰.
۲. تقی‌نیا، الهام؛ صوفی، نصیرعلی؛ رستمی، فرشته. (۱۳۹۳). شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر آیات و روایات. فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی؛ ۲۰ (۳): ۲۲-۳.
۳. جلیلی، عباس. (۱۳۹۳). نقش و جایگاه امنیت و آرامش روانی در تمدن اسلامی قرآنی. تبیان: ۴۱-۳۷.
۴. سعیدی روشن محمدباقر. (۱۳۹۳). شاخص‌های تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم. آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ ۱۹: ۸۲-۶۱.
۵. مظاهری ابوزر. (۱۳۹۳). بیداری اسلامی؛ خیزش تمدنی اسلام، تبیین نظریه مقام معظم رهبری در باب بیداری اسلامی. معرفت سیاسی؛ ۶ (۱): ۱۴۳-۱۲۵.
۶. جهان‌بین فرزاد، معینی‌پور مسعود. (۱۳۹۳). فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی؛ ۱۱ (۳۹): ۴۶-۲۹.
۷. جان‌احمدی فاطمه. (۱۳۸۶). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: انتشارات معارف-۲۴.
۸. رحیمی غلامحسین. (۱۳۹۳). سنت علمی در تمدن اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی؛ ۵ (۱۴): ۹۴-۷۱.
۹. کلاتری عبدالحسین، خاکی حسن‌ناصر، نجم‌نجمه. (۱۳۹۲). نظام معنایی گفتمان ((اسلامی‌سازی علم)). دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی؛ ۲ (۴): ۵۹-۲۹.

۱۰. آیت‌الله خامنه‌ای سیدعلی. (۱۳۸۳). دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان ۱۳۸۳/۸/۵ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. منشور فرهنگی انقلاب اسلامی؛ تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۱. آیت‌الله خامنه‌ای سیدعلی. (۱۳۷۳). پیام نوروزی سال ۱۳۷۳ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. منشور فرهنگی انقلاب اسلامی؛ تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۲. آیت‌الله خامنه‌ای سیدعلی. (۱۳۸۳). دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان ۱۳۸۳/۸/۵ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. منشور فرهنگی انقلاب اسلامی؛ تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۳. آیت‌الله خامنه‌ای سیدعلی. (۱۳۸۴). دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۸۴/۱۰/۲۹ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. منشور فرهنگی انقلاب اسلامی؛ تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۴. ملکی حسن، ملکی یاسر. (۱۳۹۲). تعامل اخلاق، معنویت و عقلانیت در تمدن نوین اسلامی. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی؛ ۱۷ (۴): ۶۱۶-۵۹۳.
۱۵. مفتخری حسین. (۱۳۹۲). ایران و اسلام؛ هویت ایرانی، میراث اسلامی. فصلنامه جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ ۴ (۲): ۱۱۱-۹۳.
۱۶. واسعی، سیدعلیرضا و عرفان، امیرمحسن. (۱۳۹۳). باورداشت آموزه مهدویت و نقش آن در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود؛ ۸ (۲۹): ۱۳۴-۱۱۳.
۱۷. خرمشاد محمدباقر، کیانی نیما. (۱۳۹۱). تمدن اسلامی - ایرانی الهام‌بخش موج سوم بیداری. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی؛ ۹ (۲۸): ۵۰-۲۷.
۱۸. قاسمی بهزاد. (۱۳۹۳). مسأله‌شناسی چالش‌های اساسی جهان اسلام از نظرگاه امام خمینی (ره) ((با نگاهی به مسایل کنونی خاورمیانه)). فصلنامه پانزده خرداد؛ ۳ (۳۹): ۱۲۵-۱۰۱.
۱۹. الویری محسن. (۱۳۹۲). اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی. فصلنامه علمی ترویجی انتظار موعود؛ ۱۳ (۴۲): ۲۶-۷.
۲۰. رشاد علی‌اکبر. (۱۳۸۳). فرجام قدسی تاریخ. قیاسات؛ ۳۳: ۳۶-۱۳.